

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۵
صفحات ۱۳۹ - ۱۵۱

نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال متون ادبی، عرفانی و فلسفی اسلامی به اروپا*

علیرضا حسینی^۱
جمشید باقرزاده^۲
پوریا اسماعیلی^۳

چکیده

جنگ‌های صلیبی، نقش زیادی در انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی، به‌ویژه در حوزه ادبیات به اروپا داشت و تأثیرات بزرگی را نیز در آن قاره بر جای گذاشت؛ به گونه‌ای که ادبیات منظوم و منثور یا داستان‌های فلسفی، عرفانی و حماسی در قصه‌های مؤلفان اروپای قرون وسطا مؤثر واقع شد. ورود تعداد زیادی از لغات و اصطلاحات اسلامی و همچنین مثل‌های شرقی در زمینه‌های مختلف علوم، نشانگر نفوذ ادبیات مسلمانان به اروپاست.

نوشتار پیش رو، برای نشان دادن راه‌های انتقال ادبیات جهان اسلام به اروپا در طول جنگ‌های صلیبی، با استفاده از روش تاریخی و با استناد به منابع معتبر تاریخی و ادبی، به توصیف و تحلیل این موضوع می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ترجمه متون مختلف در خلال جنگ‌های صلیبی و سال‌های واپسین آن، در تکامل فکری و فرهنگی مردم اروپا در اواخر قرون وسطا و نیز عصر رنسانس، نقشی بسزا داشته است و باعث شد نویسندگان معروف آن زمان همچون دانته و در ادوار بعد حتی دکارت، از آثار مسلمین تأثیرپذیر باشند.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی، ادبیات عرفانی، ادبیات حماسی، جنگ‌های صلیبی، قرون وسطا.

* برگرفته از طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه کوثر بجنورد. alirhosseyni@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه (نویسنده مسئول).
Jamshid.bagherzadeh@yahoo.com

۳. مدرس دانشگاه پیام نور. Historian.p@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۳۰

این نوشتار، نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال متون اسلامی اعم از داستانی، عرفانی و فلسفی به اروپا را به اختصار بررسی می‌کند.

در طول دو قرن درگیری مسیحیان با مسلمانان در نواحی مختلف شامات و شمال آفریقا، آنان صرف‌نظر از درگیری‌های متعدد، به سبب ارتباطات گسترده با مسلمانان، دستاوردهای فرهنگی و تمدنی بسیاری در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه ادبیات به دست آوردند. دانشمندان و ادیبان اروپایی با برداشت‌های علمی و ادبی موجود در شرق توانستند فرهنگ و تمدن قاره خویش - به‌خصوص در نواحی غربی - را شکوفا سازند و در اعتلای آن بکوشند؛ به طوری که با آغاز قرن دوازدهم میلادی، نهضت ترجمه در اروپا شکلی خاص به خود گرفت و مترجمان بسیاری - که غالباً در کسوت اهل کلیسا بودند - بدین امر همت گماشتند.

هدف پژوهش پیش رو، تبیین این مسئله است که ادبیات اسلامی در اواخر قرون وسطا^۱ چه تأثیری بر فرهنگ و تمدن اروپاییان داشت؟

با در نظر گرفتن این پرسش، می‌توان چنین فرضیه‌ای را مطرح کرد که ترجمه متون مختلف ادبی به زبان‌های اروپایی در تکامل فکری مردم و تحولات فرهنگی و اجتماعی اروپا در واپسین سال‌های قرون وسطا و اوایل عصر رنسانس بسیار مؤثر بود. با توجه به این که تاکنون پژوهشی بدین شکل و به صورت جزئی و در حوزه انتقال ادبیات مسلمانان به غرب انجام نشده و اکثر تحقیقات به صورت کلی انجام گرفته است؛^۲ از این رو ضرورت پرداختن به موضوع مورد بحث، امری روشن و مبرهن است. بنابراین

۱. قرون وسطا یا سده‌های میانه، نام یکی از چهار دوره‌ای است که برای تقسیم‌بندی تاریخ اروپا استفاده می‌شود. این چهار دوره عبارت بودند از دوران کلاسیک باستان، قرون وسطا، عصر نوزایی (رنسانس) و دوران جدید یا مدرن که از ۱۶۰۰ میلادی شروع می‌شود. معمولاً قرون وسطا را از پایان امپراتوری روم در قرن پنجم میلادی تا سقوط قسطنطنیه توسط دولت عثمانی و پایان امپراتوری روم شرقی (بیزانس) در ۱۴۵۳ در نظر می‌گیرند (برای کسب اطلاعات بیشتر، نک: دولاندلن، ۱۳۸۸: ج ۲).

۲. برخی آثار منتشر شده در این باره عبارت‌اند از: *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، اثر استیون رانسیمان، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده در سال ۱۳۸۴؛ *نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال تمدن اسلامی به غرب*، نگاشته سید عبدالرئوف رضایی در سال ۱۳۸۸ و *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، به قلم دکتر علی‌اکبر ولایتی در سال ۱۳۹۱.

تلاش می‌شود برای نشان دادن نفوذ فرهنگی و ادبی مسلمانان به اروپا در اواخر قرون وسطا، این موضوع با بهره‌گیری از روش تاریخی مبتنی بر توصیف و تحلیل، بررسی شود.

مفهوم جنگ‌های صلیبی

پیش از پرداختن به موضوع اصلی پژوهش، لازم است دلایل شکل‌گیری جنگ‌های صلیبی و پیامدهای آن، به اختصار توضیح داده شود.

جنگ‌های صلیبی یک رشته لشکرکشی‌های گسترده مسیحیان اروپا علیه مسلمانان بود که از سال ۱۰۹۶ میلادی با فرمان پاپ اوربان دوم در مجمع کلرمونت فرانسه آغاز شد و به مدت دو قرن به طول انجامید (دولاندلن، ۱۳۸۸: ج ۱، ۴۲۶). هدف عمده اروپا از این لشکرکشی‌ها، آزادی بیت‌المقدس از دست مسلمین بود؛ اما اطلاق کلمه صلیب از این روست که هرکس عازم این جنگ‌ها می‌شد، صلیبی از پارچه سرخ را بر شانه راست خود می‌دوخت.

البته هدف این بحث، مطرح کردن خود جنگ‌های صلیبی و برخوردهای نظامی دو طرف متخاصم طی دو سده سال نیست؛ بلکه هدف اصلی، آشنایی خوانندگان این مقاله با این نبردها برای پرداختن به موضوع مورد نظر است. با این حال، به اختصار به ریشه‌یابی علل جنگ‌های صلیبی خواهیم پرداخت.

به طور کلی محققان داخلی و خارجی چند واقعه مهم تاریخی را علت مستقیم و عامل اصلی جنگ‌های صلیبی دانسته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. ظهور سلاجقه و پیشرفت سریع آنان در مناطق غربی که باعث رویارویی آنان با امپراتور روم شرقی شد و در جنگ ملازگرد (۱۰۷۱م) رومانوس دیوجانوس - امپراتور بیزانس - به دست آلب ارسلان اسیر شد (اقبال، ۱۳۸۳: ۵۳۰).

با آن‌که وی مذهب ارتدکس داشت، اما ویل دورانت در کتاب خویش، اسارت وی را برای پاپ و ملت مسیحی اروپا دردناک توصیف می‌کند. بنابراین همین امر، عزم آنان را برای نبرد با مسلمین راسخ‌تر کرد (دورانت، ۱۳۶۷: ج ۴، ۷۸۳).

۲. برخورد غیرمعتولانه و متعصبانه الحاکم - خلیفه فاطمی - با مسیحیان بیت‌المقدس در سال‌های ۱۰۰۴ - ۱۰۱۴ میلادی (رانسیمان، ۱۳۶۰: ج ۱، ۴۹).

۳. آزار و اذیت زوار مسیحی اروپا، به هنگام عبور از آسیای صغیر که زیر نظر سلجوقیان قرار داشت (لوبون، ۱۳۳۴: ۴۰۲).

۴. تصرف اراضی آسیایی امپراتور بیزانس شامل انطاکیه، اورفا، طرسوس و فینیقیه به دست سلجوقیان که باعث استمداد الکسیوس - امپراتور روم شرقی - از پاپ اوربان دوم و کمک پاپ به او شد (حتی، ۱۳۴۴: ۸۰۶).

۵. طبقه فئودال‌ها که پس از عصر شارلمان، بر اثر ضعف حکومت مرکزی، قدرتشان افزایش یافته بود و در فکر تصاحب املاک جدید و گسترش متصرفات خویش بودند (نچکینا، ۱۳۶۱: ۱۶۳).

۶. قدرت یافتن پاپ‌ها و کشیشان؛ از قرن یازده میلادی به بعد - یعنی پس از فرمان پاپ نیکلای دوم در سال ۱۰۵۹ میلادی - کلیسا تا حدودی مستقل شد و پس از آن در زمان گریگوری هفتم، قدرت آن به اوج خود رسید و در زمان پاپ اینوسان سوم، دیگر قدرت آنها حد و نهایتی نداشت؛ چنان‌که در هر مسئله جزئی سیاسی و اجتماعی اروپا دخالت می‌کردند. آنان در طول دوران پرفراز و نشیب قرون وسطا، برای مردم اروپا تصویری تحریف شده و نادرست از اسلام ترسیم کردند و مسلمانان را کافر و بت پرست معرفی نمودند. حتی آنان را به پرستش تندیس پیامبر ﷺ نیز متهم کردند به آن حضرت، تهمت‌هایی ناروا نسبت دادند (عاطف‌الدین، ۱۳۱۸: ۷۸-۷۹). حجم این تبلیغات پیش از جنگ‌های صلیبی در اروپا بسیار وسیع بود، به طوری که مردم ساده‌لوح اروپا به این سخنان پاپ و روحانیون مسیحی توجه می‌کردند. همین مسئله باعث شد علیه مسلمانان به پا خیزند و به سمت خاورمیانه حرکت کنند.

البته باید بدین نکته اشاره کرد که پاپ‌ها برای منحرف کردن ذهن مردم اروپا و نیز برای پوشش فساد خود و ترویج خرافات، به این اقدام دست یازیدند که بدین روش به منفعت برسند و جایگاه خویش را هرچه بیشتر در اروپا و کلیسا تثبیت کنند. آنان با این کار، هم مشکلات داخلی اروپا را به خارج سوق می‌دادند و هم باعث اتحاد فئودال‌ها می‌شدند و در نهایت می‌توانستند ثروت مشرق زمین را به اروپا روانه کنند و خود نیز از آن سهم ببرند (ماله و ایزاک، ۱۳۱۱: ۲۱۹ - ۲۲۰).

۷. بازرگانان و تجار ایتالیایی که در بنادر معروفی همچون ونیز و جنوا به سر

می بردند و به یقین می دانستند با شروع جنگ‌های صلیبی، خطوطی جدید در تجارت شرق برایشان گشوده خواهد شد (صفوی، ۱۳۲۴: ج ۱، ۱۶). بنابراین آنان با شرکت در این جنگ‌ها، هم از لحاظ مذهبی به وظیفه خود عمل می‌کردند و زوار و جنگجویان مسیحی را به مقصد می‌رسانیدند و هم از جهت مادی به سرمایه‌های کلانی دست می‌یافتند (وات، ۱۳۶۱: ۱۰۱).

خلاصه کلام این که جنگ‌های صلیبی نتیجه تحولات داخلی اروپا و اوضاع و احوال حاکم بر آن بود که روحانیون مسیحی با مهارت خاص آن را به جهان خارج از منطقه خود منعکس کردند. با این وجود، صرف‌نظر از این که جنگ‌های صلیبی بسیار پرهزینه و پر تلفات شد، نتایج و پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی و فرهنگی آن از جنبه‌های متعدد باعث شد اروپاییان از دستاوردهای تمدنی مسلمانان به خوبی استفاده کنند که همین امر سبب شد در سال‌های واپسین قرون وسطا، تمدن اروپا به شکوفایی دوباره برسد (پالمر، ۱۳۴۹: ج ۱، ۷۶).

تأثیر ادبیات اسلامی در ادبیات اروپا

بی‌گمان نفوذ تمدن اسلامی به‌ویژه در حوزه ادبیات به اروپا، از سه محور اسپانیا، سیسیل و جنگ‌های صلیبی انجام می‌شد. پیش از آغاز جنگ‌های صلیبی، بخش زیادی از آثار تمدن اسلامی ابتدا از اسپانیا و سپس از طریق سیسیل به اروپا رسیده بود. بنابراین، اسپانیا و سیسیل از لحاظ تاریخ تأثیرگذاری، بر جنگ‌های صلیبی مقدم‌اند. نقش سیسیل و تا حدودی جنوب ایتالیا در انتقال علوم اسلامی با وجود محدودیت‌های مکانی، بسیار عمیق بوده است. مسلمانان آفریقا در سال ۸۲۷ میلادی در سیسیل پیاده شدند و در سال ۸۳۱ بر پالرمو تسلط یافتند. سپس یازده سال بعد، مسینا را به تصرف درآوردند. سرانجام در سال ۸۷۸ با تصرف سرقسطه بر تمام جزیره چیره گشتند و تا سال ۱۰۶۰ میلادی/۴۵۲ قمری در آن‌جا اقامت داشتند.

اگرچه در سال ۴۷۲ قمری پس از تصرف جزیره به دست روجرو، سلطه مسلمانان به پایان رسید، ولی به سبب وجود نوعی حس مسالمت‌جویی در روزگار سلاطین نورمان و نیز پادشاهان دانش‌دوست این خاندان، بسیاری از مردم همچنان مسلمان باقی ماندند. از جمله این پادشاهان روجروی دوم بود که نام وی در کنار ادریسی در اثر

مشهور او دیده می‌شود. فدریگوی دوم معروف به هوهنستافن - که مادرش دختر روجروی دوم بود - خود از نویسندگان و شاعران به شمار می‌رفت. وی علاقه‌مند بود که نه تنها دانشمندان و سربازان ایتالیایی یا از کشورهای مسیحی، بلکه افراد مسلمان را نیز در کنار خود نگه دارد. پس از وی نیز با وجود مخالفت‌های پاپ‌ها، این شرایط ادامه یافت. به این ترتیب سیسیل به صورت کانونی درآمد که زبان‌های زنده علمی یعنی لاتین، نئولاتین (برگرفته شده از لاتین)، یونانی و عربی در آن رواج تام یافت. نخستین اقدام برای ترجمه علوم از زبانی به زبان دیگر در این جزیره انجام شد و در همین جا بود که آثار عربی به لاتین ترجمه گردید.

در اسپانیا، اندلس نیز در عصر زرین خود دانشمندان فراوانی تربیت کرد؛ عالمانی که آثارشان چهره علمی آن سرزمین را دگرگون نمود و آوازه تمدن اسلامی را در غرب طنین‌انداز ساخت.

از سوی دیگر، در آن سرزمین نویسندگان و شاعرانی برجسته همچون قالی، علی بن حزم، ابن‌عمار، ابن‌زیدون قرطبی ظهور کردند و در تکامل ادبیات عربی در اندلس، نقشی بزرگی ایفا نمودند؛ به طوری که مورد حمایت سلسله‌های اسلامی شمال آفریقا و نیز اندلس قرار گرفتند (ابن‌خلکان، بی‌تا: ج ۲، ۲۲).

نمونه‌ای از ابیات ابن‌حزم چنین است:

وَأَشْفَقُ أَنْ يُذَيِّبَكَ لِمَسِّ كَفِّيْ أَعْيَارُ عَلِيكَ مِنْ إِدْرَاكِ طَرْفِيْ
وَأَعْتَمِدُ التَّلَاقِي حِيْنَ أَغْفِي فَمَا مَتَعُ اللَّقَاءِ حِذَارَ هَذَا
مِنْ الْأَعْضَاءِ مُسْتَتِرٌ وَمَخْفِي فَرُوْحِي إِنْ أَنْمَ بَكَ ذُو إِنْفِرَادِ
مِنْ الْجِسْمِ الْمَوَاصِلِ أَلْفِ ضِعْفٍ وَوَصَلَ الرُّوحُ الْأَطْفُ فَيْكِ وَقِعَاً

(عبدالواحد، ۱۹۷۲: ج ۲، ۲۷۷)

از این طریق نیز ادبیات عرب بر ادبیات اروپا چیره شد. از طرفی هم از قرن چهارم به بعد، دو قالب جدید شعر در سرزمین اسپانیا به وجود آمد که به موشح و زجل معروف شد. موشح شعری با چهار، پنج یا شش بند و از لحاظ ساختمان و قافیه، برای تغییرات گسترده مناسب بود و هنگامی که حرف اول هر مصراع یا هر بیت را به هم



پیوند می‌دادند، نام شخصی یا چیزی پدید می‌آمد (معین، ۱۳۵۷: «م»).
 در مضامین شعر موشح، بیشتر مسائل عشق - چه از نوع مجازی و چه حقیقی -
 مطرح می‌شد و در بعضی مواقع، مسائل مذهبی را نیز دربر می‌گرفت (گیپ، ۱۳۶۲:
 ۱۱۲)؛ مانند:

سبحانک ربی سبحانک سبحانک ما اعظم شانک
 قفل (سمط) ندعوک و نرجوغفرانک

بیت چهار جزئی:

ندخل بیتک تستقبلنا نفتحات الطهر تغسلنا
 فاذا بالنور یقابلنا و اذا برحابک یقبلنا
 قفل (سمط) و نری فی الطاعة برهانک

بیت چهار جزئی:

اتقرب منک بصلوات فعسی ان تُمجیَ زلاتی
 و تستر بفضلك عوراتی و أقدم خالص دعواتی
 قفل (سمط) لتنزل فیضک و حنانک

زجل نیز نوعی شعر بود که به صورت قطعاتی چهار مصرعی سروده می‌شد و در
 مصراع چهارم همه قطعات، شاعر خود را به رعایت یک روی^۱ ملزم می‌کرد (احمد،
 ۱۳۶۲: ۷۸). این نوع شعر بیشتر در تألیفات محاوره‌ای و در زبان‌های محلی به کار
 گرفته می‌شد. مردم نیز به سبب روانی و زیبایی شکل توازن کلمات، به آن روی آوردند
 و در قالب آن شعر می‌سرودند؛ تا جایی که این سبک شعر، در همه زبان‌های محلی به
 کار رفت و در سرتاسر اسپانیا گسترش یافت (ابن خلدون، ۱۳۵۲: ج ۲، ۱۳۶۹).

مسلم است که نفوذ ادبیات مسلمانان در اروپا از طریق اسپانیا و سیسیل و نیز با
 جنگ‌های صلیبی صورت گرفت و در ادبیات اروپا تأثیراتی بزرگ به جا گذاشت. این
 تأثیرات در شکل‌های مختلف ظاهر شد؛ از جمله ادبیات منظوم یا سروده‌ها و شعرهایی
 که در اشعار «تروبادور» قرون وسطا مشاهده می‌شود.

اکثر زبان‌شناسان، لفظ تروبادور (Trou badour) را برگرفته از واژه «طرب و طراب»

۱. آخرین حرف اصلی کلمه قافیه.

عربی دانسته‌اند و بیشتر شاعران تروبادور، بر اساس دو قالب شعر عرب به نام‌های «موشح» و «زجل» اشعار خویش را می‌سرودند (هونکه، ۱۳۶۱: ج ۳، ۲۰۸).

به هر حال چنین استنباط می‌شود که اگر جنگ‌های صلیبی رخ نمی‌داد، باز هم اروپا راه بیداری خود را پیدا کرده بود و در مسیر تمدن و فرهنگ گام برمی‌داشت؛ اما جنگ‌های صلیبی به حرکتشان سرعت بخشید و آنها را به اوج کمال رسانید. اکثر آثار دانشمندان اسلامی، یهودی، یونانی و هندی - که در قالب علوم اسلامی نگاشته شده بود - توسط مترجمان و دانشمندان اروپایی در مراکز علمی اسپانیا و سیسیل ترجمه می‌شد و از این طریق وارد اروپا می‌گشت و طالبان تشنه علم آن منطقه را سیراب می‌کرد. در جنگ‌های صلیبی، آن‌چه اذهان مردم اروپا را روشن می‌کرد، اوضاع و احوال حاکمان مسلمان بود. مسیحیان در طول این جنگ‌ها، با دنیایی وسیع‌تر آشنا شدند و به تبع آن، اقتباساتی گسترده نیز در حوزه‌های مختلف انجام دادند و کتاب‌هایی متنوع جمع‌آوری کردند. تردیدی نیست که نقش تمدن اسلامی در تحولات داخلی اروپا به‌ویژه در نهضت رنسانس، از عوامل دیگر در پیدایش آن چشم‌گیرتر بود (همو: ۲۶۲).

در این قسمت ادبیات مثنوی یا داستان‌های فلسفی، عرفانی و سماعی که در داستان‌های نویسندگان اروپایی قرون وسطا مؤثر واقع شد به اختصار توضیح داده می‌شود:

۱. داستان‌های فلسفی

پرداختن به این گونه داستان‌ها در میان فلاسفه و متکلمان اسلامی، رسمی متداول بود که از این راه، اندیشه‌های فلسفی خویش را درباره خودشناسی و خداشناسی به زبان ساده در قالب داستان و شعر برای ملل اسلامی مطرح می‌کردند. از این نمونه داستان‌ها می‌توان به *حی بن یقظان* نوشته ابن سینا، *حی بن یقظان* اثر ابن طفیل، *العربیة الغریبة* تألیف سهروردی، *سلامان و ابسال* از ابن سینا، *رسالة الطیر* از محمد غزالی و *فاضل بن ناطق* از ابن نفیس دمشقی اشاره کرد. در اواخر جنگ‌های صلیبی، این آثار - به‌ویژه کتاب *حی بن یقظان* ابن طفیل - به طور گسترده مورد استفاده فلاسفه، ادیبان و مترجمان اروپایی همچون قسطنطین آفریقایی و جرارد کرمونی در حوزه فلسفه قرار گرفت، به طوری که اثرات این داستان‌ها تا سالیان دراز پس از جنگ‌های صلیبی در اروپا دیده می‌شد

(شریف، ۱۳۶۷: ج ۳، ۵۳۹).

۲. داستان‌های عرفانی و اخلاقی

این نوع داستان‌ها ریشه در قرآن و احادیث پیامبر اسلام ﷺ داشت. داستان معراج پیامبر اکرم ﷺ در سوره اسراء و داستان‌های عرفانی ابن عربی از قبیل فتوحات مکیه و الاسراء الی مقام الاسری، خمیرمایه‌ای برای داستان‌های اخلاقی و عرفانی اروپا به شمار می‌رفت، به طوری که دانشمندانی مانند قدیس توماس آکویناس و قدیس بوناوانتور، با بهره‌گیری از این متون، به تدوین آثار نفیس خود پرداختند (حتی، ۱۹۸۳: ج ۲، ۲۹۲). بهترین داستان عرفانی اروپا در اواخر قرون وسطا، «کمدی الهی دانت» است. دانت از طریق ترجمه‌های لاتینی آثار دانشمندان اسلامی با بسیاری از معارف اسلامی آشنا بود؛ چنان‌که در کتاب ضیافت خود از افرادی همچون غزالی، و ابومعشر بلخی نام می‌برد و در کمدی الهی نیز ابن سینا و ابن رشد را بسیار گرامی می‌دارد (احمد، ۱۳۶۲: ۱۲۷).

۳. داستان‌های حماسی و پهلوانی

با این‌که زمینه این قصه‌ها به ایران پیش از اسلام و همچنین به ادبیات قرون نخستین اسلام برمی‌گردد و در دوره خلفای عباسی به‌خصوص هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق)، قصه‌های هزار و یک شب زبازد خاص و عام بود، اما در دوره ممالیک مخصوصاً سلاطین هم‌زمان با جنگ‌های صلیبی آن سلسله، به سبب علاقه بسیاری که به بازی‌های پهلوانی، تیراندازی و شکار داشتند، برای این‌گونه داستان‌ها ارزش و اهمیتی خاص قائل می‌شدند (حتی، ۱۳۴۴: ۸۷).

در این دوره می‌کوشیدند قهرمانانی همچون قهرمانان قصه‌ها - که وصف آن را شنیده بودند - تربیت کنند. همین امر سبب شد جنگجویان صلیبی در خلال نبرد، با داستان‌های حماسی مسلمانان آشنا شوند و آن را به اروپا انتقال دهند؛ به طوری که داستان‌های هزار و یک شب - که نام ایرانی آن هزارافسان است - توجه مردم و ادیبان اروپا را به خود جلب کرد و آنان از آموزه‌های اخلاقی حکایت‌های آن، بهره‌آفر بردند. بعدها بوکاچیو در «دکامرون» و ویلیام شکسپیر در «هملت» از این نوع داستان‌ها استفاده کردند (همو، ۱۳۵۰: ۴۵۵).

از سوی دیگر، در کنار سربازان مسیحی، تجار و بازرگان اروپایی نیز در دوران

جنگ‌های صلیبی با مسافرت به خاورمیانه، این قبیل داستان‌ها را در اروپا هرچه بیشتر اشاعه دادند. همین مسئله به اعتلای فرهنگی اروپاییان انجامید و آنان را تحت تأثیر فرهنگ مشرق‌زمین قرار داد.

دیگر نکته‌ای که در این جا باید بدان اشاره کرد، این است که بنا به قول گوستاولوبون، ردیف و قافیه در آن روزگار به اروپا برده شد و شاعران پرووانسی (جنوب فرانسه) با تقلید از شاعران مسلمان، آن را در اروپا رواج دادند. آنان به عنوان شاعران دوره‌گرد به نقاط مختلف سفر می‌کردند و به همین صورت به تکامل ادبیات اروپا یاری رساندند (لوبون، ۱۳۳۴: ۵۷۵).

ورود ادبیات اسلامی به اروپا سبب شد افزون بر گسترش آثار منظوم و منثور با موضوعات گوناگون در آن سرزمین، لغات و اصطلاحات بسیاری از جهان اسلام به آن جا منتقل گردد که تا به امروز در بسیاری از زبان‌های اروپایی حفظ شده است؛ اصطلاحاتی مانند: ۱. غزال (Gazella)؛ ۲. مخزن (Magazine) که به معنای خشاب اسلحه، انباری، زرادخانه و مجله نیز آمده است؛ ۳. «مناره» که سیر انتقال آن به این صورت بوده است: Minarete (اسپانیایی)، Minaret (فرانسوی) و Minaret (انگلیسی) (فلاحیه، ۱۳۶۷: ۵۵).

حاصل سخن این که جدا از انتقال و ترجمه آثار اسلامی به اروپا، اندیشمندان آن قاره نیز با تأثیرپذیری از افکار دانشمندان مسلمان، تألیفاتی ارزنده پدید آوردند؛ برای مثال، دکارت کتاب *گفتار در طریقه درست راه بردن عقل و طلب حقیقت در علوم خود* را به تقلید از اثر *ارزشمند المنقذ من الضلال* غزالی پدید آورد (شریف، ۱۳۶۷: ج ۳، ۵۳۳). همچنین افکار ابن عربی علاوه بر دانه، در ریموند لول نیز تأثیر گذاشت و باعث شد وی کتاب *صد نام خدایی خود* را با الهام‌گیری از آثار اسلامی پدید آورد (همو: ۱۶۴).

در مجموع، جنگ‌های صلیبی افزون بر این که سبب انتقال دستاوردهای مهم تمدنی جهان اسلام به اروپا شد، در زمینه ادبیات نیز مردم آن دیار را به طور قابل توجهی از آثار مسلمانان بهره‌مند ساخت که علاوه بر تکامل ادبیات، در رشد افکار آنان نیز تأثیری بسزا گذارد. این مسئله در شکل‌گیری عصر رنسانس، پایان یافتن قرون وسطا و ورود اروپا به عصر جدید بسیار اهمیت دارد.

نتیجه‌گیری

انتقال دانش مسلمانان به مغرب‌زمین و تأثیری که این دانش‌ها به‌ویژه در حوزه ادبیات، بر نوزایی و شکوفایی علوم غربی نهاده است، پیش از هر چیز به چند رویداد سیاسی - نظامی بازمی‌گردد. عمده این رویدادها، لشکرکشی‌های مسلمانان به اسپانیا و سیسیل و در مقابل، تهاجم اروپاییان برای تصرف سرزمین فلسطین در جنگ‌های موسوم به صلیبی است. این تهاجمات متقابل، موجبات هم‌جواری و اختلاط مسلمانان با مسیحیان و یهودیان را فراهم ساخت و زمینه‌ای فراهم آورد که دانشمندان نیز در کنار نظامیان، به تعقیب هدف‌های علمی خاص خود پردازند.

آنان در حوزه ادبیات - یعنی نظم و نثر - از آثار مسلمین اقتباس کردند؛ حتی قواعد دستوری را نیز در اشعار ترابادور و موشحات و زجل، از شاعران مسلمان را اخذ نمودند و در آثار خویش از سبک و محتوای آن بهره بردند. در داستان‌نویسی نیز از داستان‌نویسان مسلمان تأثیر پذیرفتند. بدین ترتیب با الگوپذیری از ادبیات اسلامی با مضامین مختلف، سبب رشد و ترقی ادبیات اروپا به‌ویژه در عصر رنسانس شدند. همین امر، پشتوانه‌ای برای ادبیات کنونی اروپا و ظهور ادیبان و اندیشمندان برجسته شد که فرهنگ آن قاره را تکامل بخشیدند و آثاری ارزشمند نیز پدید آوردند که در تاریخ اروپا ماندگار گردیده است.



منابع

- آرنولد، توماس؛ آلفرد گیوم (بی‌تا)، *میراث اسلام*، ترجمه: مصطفی علم، تهران، بی‌تا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۲ش)، *مقدمه*، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، دوم.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (بی‌تا)، *وفیات الاعیان*، به اهتمام: احسان عباس، بیروت، دار صادر.
- احمد، عزیز (۱۳۶۲ش)، *تاریخ سیسیل در دوره اسلامی*، ترجمه: نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- اقبال، عباس (۱۳۸۳ش)، *تاریخ مفصل ایران*، تهران، بهزاد، سوم.
- پالمر، رابرت روزول (۱۳۴۹ش)، *تاریخ جهان نو*، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر، اول.
- حتی، فیلیپ (۱۳۴۴ش)، *تاریخ عرب*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تبریز، حقیقت، دوم.
- _____ (۱۳۵۰ش)، *شرق نزدیک در تاریخ*، ترجمه: قمر آریان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ (۱۹۸۳م)، *تاریخ سوریه و لبنان و فلسطین*، ترجمه به عربی: کمال الیازجی و دیگران، بیروت، دار الثقافة، دوم.
- دورانت، ویل (۱۳۶۷ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، دوم.
- دولاندلن، شارل (۱۳۸۸ش)، *تاریخ جهانی*، ترجمه: احمد بهمنش، انتشارات دانشگاه تهران، دوازدهم.
- رانسیمان، استیون (۱۳۶۰ش)، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه: مهشاد طباطبایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رحیم‌زاده صفوی، علی‌اصغر (۱۳۲۴)، *جنگ‌های صلیبی*، تهران، دفتر آسیای وسطا، دوم.
- شریف، م. م (۱۳۶۷ش)، *تاریخ فلسفه در اسلام*، تهیه و گردآوری ترجمه فارسی زیر



- نظر: نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، دوازدهم.
- عاطف‌الدین، سمیح (۱۳۱۸ش)، *ریشه‌های ضعف و عقب‌افتادگی مسلمین*، ترجمه: محمود رجیبی و محمدتقی کمالی‌نیا، قم، هجرا.
 - عبدالواحد، مصطفی (۱۹۷۲ش)، *دراسة الحُبّ فی الأدب العربی جزءان*، قاهره، دارالمعارف.
 - فلاحیه، احمد (۱۳۶۷ش)، *واژگان انگلیسی مأخوذ از عربی*، تهران، سروش.
 - گیپ، همیلتون (۱۳۶۲ش)، *درآمدی بر ادبیات عرب*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر.
 - لوبون، گوستاو (۱۳۳۴ش)، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، بنگاه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، چهارم.
 - ماله، آلبر؛ ژول ایزاک (۱۳۱۱ش)، *تاریخ قرون وسطا*، ترجمه: عبدالحسین هژیر، تهران، چاپخانه مجلس.
 - معین، محمد (۱۳۵۷ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
 - نچکینا، م. و (۱۳۶۱ش)، *تاریخ مختصر جهان*، ترجمه: محمدتقی فرامرزی، تهران، دنیا، اول.
 - وات، موننگمری (۱۳۶۱ش)، *تأثیر اسلام در اروپا*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، مولی.
 - هونکه، زیگرید (۱۳۶۱ش)، *فرهنگ اسلام در اروپا*، ترجمه: مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و انتشارات امیرکبیر.